

# گذشته در خدمت آینده

نگارش: اوساگا اوداک

آن را بردار، آن را لمس کن، بررسی کن. آیا می‌دانی که این چیست؟ اینها جمله‌هایی است که امروز به بچه‌های کنیایی، در حال بازدید موزه‌های ملی کشورشان، گفته می‌شود. این جمله‌ها در یکی از روزنامه‌های نایروبی آمده و بخوبی نشان می‌دهد که هدف نخست قسمت آموزش موزه‌ها، که آموزش را هم مؤثر و هم خوش آیند می‌سازد چیست. تصویر زیر نشان می‌دهد که چگونه شاگردان مدرسه‌ای قسمتی از باقیماندهٔ سر یک انسان بیش از تاریخ را در موزه ملی نایروبی بررسی می‌کنند.

هدف از به‌کارگیری تئوری توسعه و پیشرفت در جهان سوم تخفیف دردها و رنجهای انسانها و فراهم آوردن نسبی رفاه و آسایش، بویژه فراهم آوردن بیشتر و بهتر خدمات پزشکی و امکانات آموزشی و ایجاد وسایل ارتباطی کافی و همچنین تحرک بخشیدن به رونق کشاورزی و پیشرفت در زمینه صنعت است.

نقشی که در این باره فرهنگ (و باستانشناسی که هدفش با فرهنگ در ارتباط نزدیک است) برعهده دارد متأسفانه اغلب به دست فراموشی سپرده می‌شود.

با این حال برای آنکه این پیشرفت معنایی داشته باشد بایستی در همهٔ قلمروهای فعالیت بشر، از جمله فرهنگ که عامل اصلی ثبات است و حتی نمی‌توان برای آن قابل

شد، گسترش داشته باشد.

باستانشناسی روش و نظامی است که در اروپا زاده شده و با گرفته است هنگامی که باستانشناسی به صورت علمی در آمد قارهٔ افریقا در راه مستعمره شدن بود و پیشروان استعمارگر، کاشفان و هیئتهای مذهبی بودند. افریقا برای آنان قاره‌ای بود با مردمی بدوی که بایستی از بربریت بیرون آیند و به جاده تمدن رهبری شوند، بویژه اینکه این آشنایی به تمدن از راه مسیحیت باشد.

هیئتهای مذهبی یاد شده بر این باور بودند که مذہبها و آیینهای آفریقاییان ارزش آن را ندارند که پاسداری و حمایت شوند. باید یادآوری شود که چون مذہبهایی که این هیئتها به آفریقاییان تحمیل می‌کردند وابسته به حضور





به مناسبت سالگرد ملی معلولان در ۱۹۸۱، کمیته ملی تونس وابسته به مجمع ملی موزه‌ها (ایکم) برنامه‌ای را برای به نمایش گذاشتن آثار موزه‌ها به نفع جوانان عقب‌افتاده فکری ترتیب داد. در این تصویر در ضمن اولین بازدید تشکیل شده در موزه ملی باردو در تونس گروهی از جوانان معلول، مشغول بازدید پای غول‌آسای مجسمه ژوپیتر هستند. در تصویر دیگر یک طراحی که توسط یکی از کودکان بازدید کننده (خالد زروق) کشیده شده است، دیده می‌شود. این برنامه نشان می‌دهد استعداد کودکانی که از لحاظ فکری عقب افتاده‌اند می‌تواند از طریق این بازدیدها شکوفا شود.

ویرانی‌هایی در مکانهای مقدس کهن بوجود آورد و به همین علت این مکانها مورد تجاوز جویندگان و شکارچیان گنج‌ها و آثار قدیمی قرار گرفت. تمام این عوامل محیط زنده و توهین آمیزی را برای فرهنگ سنتی بوجود آورد که دامنه آن به مقررات و نظاماتی کشیده شد که به باستانشناسی و مردم‌شناسی ارتباط داشت.

پس از استقلال، تأثیر باستانشناسان خارجی و مؤسسات بیگانه‌ای که برای اجرای طرحهای باستانشناسی سرمایه‌گذاری کردند با توجه به جهات مثبت و منفی آن ادامه یافت. به این ترتیب پیشرفتهای ثبت شده اخیر در بررسیهای مربوط به پیدایش نوع بشر بخصوص در آفریقای خاوری توجه جهانیان را به گذشته‌های دور این قاره جلب کرد ولی بررسی کنندگان کم اطلاع می‌پنداشتند که باستانشناسی آفریقا وضع خوبی دارد و بعدور از دشواریهاست.

چون این پژوهشها شامل دوره‌های پیش از ظهور گروههای انسانی جدید است، بجای آن دارد که اسان از خود بیرسد پس در چه شرایطی بررسیهای متمرکز درباره پیدایش انسان می‌تواند در فهم بهتر تاریخ فرهنگ آفریقای معاصر مؤثر باشد.

متأسفانه نبودن آموزگاران محلی و ناگزیر شدن به روی آوری به کارشناسان بیگانه، برای پایه‌ریزی این برنامه‌ها، تا اندازه‌ای به دائمی شدن وضعی که در دوران استعمار وجود داشت کمک کرد.

ولی هنگامی که کشورهای آفریقای در روند خودکفایی گام نهادند و بهره‌گیری از کارمندان با صلاحیت فنی خود را آغاز کردند اوضاع به دگرگونی گرایید، و کوششهایی برای گسترش پژوهشهایی درباره تاریخ آفریقا به کار آمد. اما مقاله‌های تاریخی نوشته شده بسیار اندک بود به گونه‌ای که تاریخنگاران آفریقای ناگزیر بودند به سوی منابع دیگری روی آورند. به این ترتیب بود که باستانشناسی ابزاری مهم برای پژوهشهای تاریخی شد و به صورت رشته‌ای اضافی بخش تاریخ بسیاری از دانشگاههای آفریقای درآمد.

جاذبه باستانشناسی با همه این احوال محدود ماند. زیرا کاوشهای زمینی که از فعالیتهای اصلی باستانشناسی است، به مثابه نیش گورها در اذهان جلوه گر شد، و اشیائی مانند استخوانها با ممنوعیت و تحریم روبه‌رو گردید. به عقیده مردم ساده و ناآگاه، باستانشناسان کسانی بودند که گور مردگان را به پلیدی می‌کشیدند و به این جهت در نظر آنان باستانشناسی، کار غیر عادی می‌آمد.

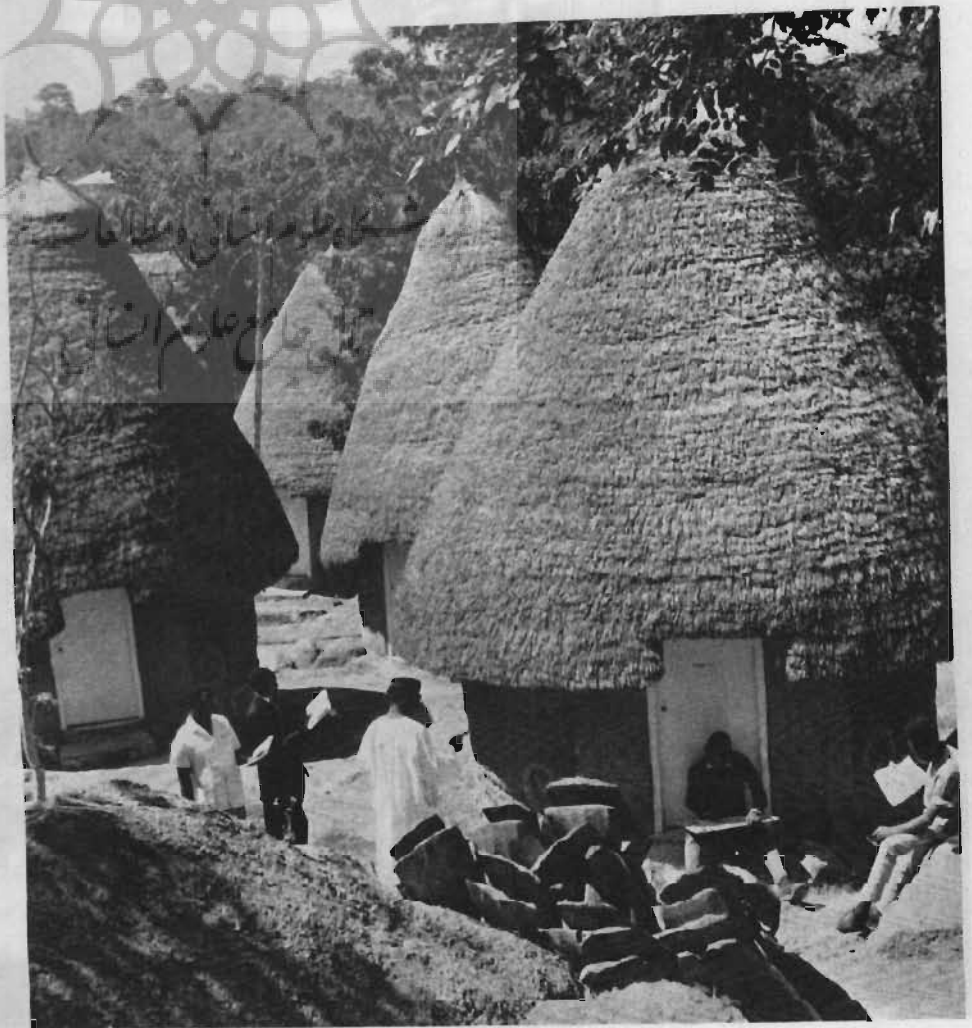
همچنین فرهنگ سنتی در نتیجه نوگرایی آسیبهایی دیده است. پیشرفتهای کشاورزی و نیز ساختمان راهها و آب‌بندها و مراکز هیدروالکتریک تولید برق دگرگونیها و

فرهنگهایی بود که با فرهنگهای آفریقای سازگار نبود، جوهر و اساس آن بکلی از میان رفت. کلیساها و مساجد جایگزین معابد بومی آفریقای شدند و رفت و آمد به مکانهای مقدس آفریقای کاهش یافت. کالاهای روشهای فنی بومی پیش از دوران استعمار به وسیله کالاهای ساخت صنعت جدید جایگزین گردیدند.

در یک چنین زمینه‌ای بود که باستانشناسان اروپایی و امریکایی به آفریقا با نهادند و البته این نه به خاطر پاسداری از فرهنگ و تاریخ و جلوگیری از نابودی و فراموشی آنها بود، بلکه بیشتر به خاطر سودجوییهای خصوصی و جاه‌طلبیهای شخصی بود. با این همه کار آنها از نظر بازسازی مراحل فرهنگی و گسترش برنامه‌ها و روشها و همچنین نظریه‌های باستانشناسی خالی از بهره نبود. آنان نه تنها در آشکار کردن بسیاری از عوامل فرهنگی کهن شرکت کردند و شالوده کارهای آینده را ریختند بلکه چهره فرهنگی آفریقا را نمایان ساختند.

چون بازگشت به سنتهای فرهنگی در آفریقا، در دوران استعمار، حتی در کشورهایی که در آنها سازمانهای باستانشناسی و پژوهشی بوجود آمده تسویه شده است از این رو دوران استقلال، آغاز جنبشی است که می‌توان آنرا (نوزایی فرهنگی) «Renaissance Culturelle» نام نهاد. فرهنگهای سنتی و برخی نظامهای فرهنگی مانند باستانشناسی به گونه‌ای فزاینده در برنامه‌های پژوهشی راه یافتند.

خانه‌های دانشجویان مرکز مطالعات موزه‌ها در جس نیجریه





Photos © National Museum of the Bardo, Tunisia

که هرگز نوشته نشده است. اثباتی که از زیر خروارها خاک بیرون می‌آید، شواهدی هستند از آغازها و دگرگونیهای فرهنگ یک ملت و از همین روست که لازم است برخی از مناطق باستانی را به موزه‌ها و یا مراکز فرهنگی مبدل ساخت.

این مکانها با گنجینه‌ها و آثاری که در خود دارد، نیروی آنرا خواهد داشت که ملتی را در یک سرزمین، بهتر پایدار و ریشه‌دار سازد و در پیوستگی تاریخی و فرهنگی بهتری نگاهدارد. این هویت فرهنگی شالوده‌تحقق اعتماد به خویش و شکوفایی فرد و توده خواهد بود که به گونه‌ای شگفت‌آور برانگیزاننده استعدادهای آفرینندگی خواهد شد.

بسی هیج شکی باستانشناسی نقش بسیار بزرگی در توسعه و پیشرفت یک ملت دارد.

**اوساگا اوداک. کنیا.** کارشناس مردمشناسی فرهنگی که اهتمام خود را بذل هنر صخره‌نگاری و تنظیم مواد و منابع فرهنگی و بررسیهای نژادشناسی کرده است. معاون مدیر انجمن باستانشناسی و بررسیهای نژادشناسی کنیا، و هماهنگ‌کننده بررسیهای فرهنگی در وزارت فرهنگ آن کشور، و رئیس کمیته ملّی «شورای بین‌المللی آثار و نقاط باستانی» در کنیا.

یاالضرووره نیازی به استفاده از پژوهشگران بیگانه باشد، به گونه‌ای روی کارهای اجرایی باستانشناسی در کشور مورد نظر تأثیر گذارند.

با توجه به این مقدمات، لازم است که توده مردم را از نقشی که باستانشناسی جدید می‌تواند در زمینه‌های پیشرفته‌ای نو ایفا کند، و هنوز مورد توجه بسیار کم آفریقاییان است آگاه ساخت.

بیشتر کشورهای آفریقایی از شمار بسیار کمی باستانشناس حرفه‌ای برخوردارند. باستانشناسی حتی در مجامع دانشگاهی هنوز جایی ندارد. به این جهت باید آنرا از قلمرو و محدوده علمی محض بیرون آورد و در دسترس مردم عادی قرار داد.

امروزه در جهان سوم اکثریت با نسل جوان است. همانند کوشش در براندازی بیسواد، نخست لازم است آموزش اجباری و رایگان برای جوانان ترتیب داد و این جنبش باید از طبقه جوان آغاز گردد تا باستانشناسی بتواند جای شایسته خود را باز یابد.

پس لازم است نخست دلبستگی جوانان را برای این کار برانگیخت و سپس در قسمتهای علمی، و آنگاه میان مردم به این کار پرداخت.

باستانشناسی سرچشمه و منشأ اطلاعاتی است که به وسیله آنها می‌توان تاریخ ملتها را بازسازی کرد. تاریخی

هیچ حکومتی نیست که نیاز خود را به شناخت تاریخ مردمان خویش درک کند ولی تنها به یک جنبه نسبی از جنبه‌های تاریخ بشری - هر چند مهم - بسنده نسمايد، جنبه‌ای که اندک رابطه مستقیمی با مردمانش دارد، و در عین حال زمینه‌های اصلی تحکیم هویتیاری ذاتی و هویت فرهنگی را نادیده بگیرد.

از سوی دیگر به علت فقدان سرمایه‌های کافی، باستانشناسان آفریقایی ناگزیرند به سرمایه‌ها و کمکهای مالی سازمانهای مالی خارجی روی آورند و این موضوع در برخی موارد امکان داده است کارهایی انجام گیرد که جز بدین ترتیب انجام نمی‌گرفت.

اما این امر دو تأثیر مهم منفی نیز داشته است: نخست آنکه این کمکها مقامات محلی را بر آن می‌دارد که اعتبارات مربوط به باستانشناسی را به این دلیل که از منابع خارجی تأمین خواهد شد، در برنامه‌های پیشرفت و توسعه خود ننگینانند.

دوم آنکه بنگاهها و سازمانهای مالی خارجی معمولاً کمکهای مالی خود را به طرچهایی اختصاص می‌دهند که خود انتخاب کرده باشند. بنابراین باستانشناسان محلی خود را ناگزیر می‌بینند پیشنهادهای پژوهشی خویش را آن گونه که بنگاههای سرمایه‌گذار دیکته کرده‌اند تطبیق دهند و به این ترتیب سازمانهای بیگانه می‌توانند بدون آنکه